گام ششم) عدم تناقض نصف النهار واحد در کره با عادت ساعت محلی

(42:00)

شما ملاحظه کردید که با درست کردن میقات برای کل کره، بهراحتی برچسب زدید. خب شما میگویید ورود در خط زمان بایست. در خط زمان چه کار میکنیم؟ این پای راست و این پای چپ است، این میگوید اول ماه و دیگری میگوید نه. این چه میقاتی شد؟! اولاً میقات میخواستیم، اما این چه میقاتی شد؟! ثانیاً این خلاف آن ارتکاز است؛ غیر از اینکه میقات نقض شده، ارتکاز هم در اینجا نقض شده است. جوابش چیست؟ ببینیم میتواند جواب اینها را بدهد یا نه؟

الآن در خط زمان متشرعه چه کار میکنند؟ وقتی به خط زمان میرویم اینها جلوه میکند. ولذا خط زمان را کج و راست کردهاند، چرا؟ برای اینکه نمیتوانستند این طرف پا تفاوت کند. باید یک قطنی یک تقویم داشته باشد، میقات برای آنها نیاز بوده است. حال چه کار کنیم؟

برای شخصیت یک قوس ماه و برچسب زنی آن و آن ارتکاز شخصی، مهمترین چیزی که نیاز داشتیم را حل کردیم. اینکه یک نصف النهار واحد داشته باشیم. خب شما میگویید در خط زمان چه کار میکنید؟ این برچسب، خط زمان را هم معین میکند. یعنی وقتی شما در قوس شخصی ماه به دور زمین دارید برچسب میزنید، آن برچسب ها را برای کره زدهاید. آن چیزی که شما در خط زمان میبینید، این برچسب ها را از جای خودش تکان میدهد؟ بر میدارد یا بر نمیدارد؟ بر نمیدارد. وقتی برنمیدارد، شما به ارتکازی که از میقات برای کل کره میخواستید، رسیدهاید. یعنی ارتکاز در خط زمان، وقتی ملاحظه میشود با ارتکاز اولیهای که نقطه شروع شما بود تا به وسیله نصف النهار شخصی واحد کل کره را منظم کنید و یک برچسبی روی آن بزنید تا روی هم نیافتد، شما میبینید به غرض رسیدهاید و این ارتکاز در خط زمان مغلوب آن میشود. یعنی میبینید الآن این ارتکاز بهخاطر آن غرض محکوم است. ارتکازی که بعداً در خط زمان برای شما پیش میآید، از انس سابق شما است. بعد از اینکه فایده را فهمیدیم و میقاتیت را ترسیم کردیم و کل کره را منظم کردیم، آن ارتکازی که می گفت: همه اینها که نزدیک هم هستند، به مانوس بر میگردد، نه به مرتکز عقلائی مستندی که بتواند سابق شما را خراب کند.

مکرر این امر مهم را عرض میکردم؛ اگر خروجیِ کلاس خلاف ارتکاز شد، شما خیلی واهمه کنید. توقف کنید و برگردید. دوباره کل مباحث کلاس را مرور کنید. این درست نیست که خروجی بحث کلاس، خلاف مرتکزات باشد. آیا این نصف النهار شخصی واحد که می رسیم در خط زمان، خلاف مرتکز ما میشود، همینطور است یا نه؟ میخواهم بگویم اینجا فرق دارد. یعنی ما از مرتکزی شروع کردیم که در آخر کار هم تقویت شد، فقط در خط زمان به خلاف مرتکز دیگری برخورد میکنیم. وقتی اینجا به آن نگاه میکنیم می بینیم این ارتکاز نیست. این مانوس مواردِ قبلی است. مانوس ذهن ما با مرتکز ذهن ما فرق میکند. همینی که الآن شما فرمودید؛ مرتکز ما این است که یک مملکت ساعت واحد داشته باشد. وقتی برمیگردیم و میبینیم واقعاً آمریکا سه-چهار ساعت دارد؟! میگوییم

بله، برو ببین. می‌گویم عجب! پس مرتکز من از این‌که یک مملکت یک ساعت دارد، مانوس من بود، نه مرتکز من.

شاگرد: فرقشان چه شد؟

استاد: ارتکازات منشاءهای عقلائی دارد. از آن منشاءهای عقلائی و سیره‌های عقلائی یک مانوساتی حاصل می‌شود که در مواردی آن رمز و حیث ارتکاز عقلائی موجود نیست. ابن‌سینا عبارت دقیق و خوبی داشت. اساتید در کلاس می‌گفتند. خدا همه آن‌ها را رحمت کند! فرمودند شیخ الرئیس یک جمله کوتاه خیلی خوبی دارد. می‌گوید مشهورات را عقلاء من حیث هُم عقلاء نگفته اند. بلکه تطابق علیه الآراء العقلاء. گفت همان مشهورات یک حیثی دارد که اگر آن‌ها را کشف کنیم به بدیهیات و قطعیات بر می‌گردد. دیگر مشهورات نیست. الآن بسیاری از مرتکزات ما در نگاه جلیل، مشهورات هستند. ولی آن ارتکاز عقلائی یک حیثی دارد که وقتی آن را کشف کردیم، در جاهایی که آن حیث نیست ولی مشهوره هست، می‌گوییم مانوس ما است. یعنی از انس خود به آن مشهورات داریم این حکم را می‌کنیم. اگر آن حیث مشهور را کشف کنیم، می‌بینیم آن حیث اینجا نیست. ولی هنوز مشهور بودنشان باقی است. مثلاً قسم دروغ خوردن به این صورت است. ای وای قسم دروغ بخوریم؟! ولی یک روایت هست که حاج آقا مکرر می‌خواندند؛ «احلف بالله کاذبا و نجّ اخاک من القتل»[1]. می‌بینید پس این جور نبود که قبح کذب، آن هم حلف بالله، ذاتی باشد. اگر ذاتی بود که نمی‌شد تغییر پیدا بکند. معلوم می‌شود در آن یک حیثی بود که آن حیث در اینجا نیست.

---

[1] وسائل الشیعة , جلد۲۳ , صفحه۲۲۵

بازبینی #2
ایجاد شده 26 ژانویه 2026 15:03:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 26 ژانویه 2026 15:10:48 توسط ... .